احکام نماز جماعت

- سوم:حکم قطع نماز برای رسیدن به نماز جماعت واجب
  - قطع نماز نافله
    - قطع نماز نافله جائز است زمانی که امام تکبیرة الإحرام نماز واجب را گفته است
      - لما یستفاد من أهمیة الجماعة علی النافلة بعد جواز قطع النافل
    - قطع نماز نافله جائز است زمانی که نماز جماعت واجب بر پا شده(قبل از تکبیر امام زمان قد قامت الصلواة)برای اینکه به ثواب تمام نماز جماعت برسد.
      - :لصحیح عمرو بن یزید: (سأل أبا عبد الله علیه السلام عن الروایة التي یروون أنه لا یتطوع في وقت فریضة ما ،حد هذا الوقت؟ قال علیه السلام: إذا أخذ المقیم في الإقامة فقال له: إن الناس یختلفون في الإقامة فقال علیه السلام: المقیم الذي یصلي معه)
  - قطع نماز واجب
    - شهید اول در لمعه:قطع نماز واجب جائز نیست(قیل یقطع).
    - شهید ثانی و شهید اول در غیر کتاب لمعة: قطع نماز واجب جائز است اگر بترسد که به هیچ بخشی حتی یک رکعت از نماز جماعت هم نمی رسد و هوقوی
      - ثم المراد بخوف الفوات هو فوات الجماعة بأسرها بالنسبة للفرع الأخیر، و أما بالنسبة لغیره فخوف الفوات هو خوف فوات أي شيء منها حتی الجزء الأول من الفاتحة
    - شهید اول در بیان: حکم قطع نماز واجب مانند قطع نماز نافله است حتی اگر خوف فوت جماعت هم نباشد با برپایی نماز جماعت می تواند نماز واجب فرادایش را قطع کند
    - دیدگاه دیگر شهید اول
      - خوف فوت نماز جماعت را ندارد و از رکعت دوم عبور نکرده
        - از نماز واجب به مستحب عدول کند و نماز را در دو رکعت تمام کند(و هو حسن).
          - به این دلیل که جمع کند بین درک استحباب جماعت و (ترک ابطال عمل(لا تبطلوا اعمالکم
            - لصحیح سلیمان بن خالد عن أبي عبد الله علیه السلام: (عن رجل دخل المسجد فافتتح الصلاة فبینما هو قائم یصلي إذا أذن المؤذن و أقام الصلاة، قال علیه السلام:فلیصل رکعتین ثم لیستأنف الصلاة مع الإمام (و لتکن الرکعتان تطوعا
      - خوف فوت نماز جماعت را دارد
        - قبل از عبور از دو رکعت
          - از همانجای نماز عدول به نماز مستحب می کند و نماز را قطع می کند
        - بعد از عبور از دو رکعت فیه وجهان
          - استمرار نماز واجب و قطع نکردن آن
            - و استقرب المصنّف في التذکرة و النهایة الاستمرار؛ اقتصاراً في قطع الفریضة أو ما هو في حکم القطع علی مورد النص(روالجنان).
          - عدول از نماز واجب به مستحب و قطع نماز واجب و فیه قوة
    - نکته:اگر امام جماعت،امام معصوم علیه السلام باشد قطع نماز مطلقا(در تمامی موارد)مستحب است
- چهارم:حکم نرسیدن به رکوع امام(درک امام بعد از رکوع).
  - ادراک امام بعد از رکوع قبل از سجدتین
    - مأموم به رکوع رفته اما به رکوع امام نرسیده
      - با امام به سجده می رود و در رکعت بعد استیناف نیت می کند(تکرار نیت و تکبیر)(قطع به استیناف).
    - مأموم هنوز به رکوع نرفته امام از رکوع بر می خیزد
      - بدون رکوع با امام به سجده می رود و در رکعت بعد استیناف نیت می کند(تکرار تکبیر)(قطع به استیناف)(لأن زیادة السجدتین مبطلة للصلاة.).
        -) :لخبر المعلی بن خنیس عن أبي عبد الله علیه السلام إذا سبقك الإمام برکعة فأدرکته و قد رفع رأسه فاسجد معه و لا تعتد بها).
  - ادراک امام بعد از سجود
    - ادراک امام بعد از سجدتین:با امام می نشیند و تشهد انجام)می دهد و رکعت اول خود را بدون استیناف نیت ادامه می دهد درک رکعت نکرده،درک جماعت نکرده،درک ثواب جماعت کرده).
      - علی المشهور شهرة عظیمة لموثق عمار عن أبي عبد الله علیه السلام: (عن الرجل یدرك الإمام و هو قاعد یتشهد و لیس خلفه إلا رجل واحد عن یمینه، قال علیه السلام: لا یتقدم الإمام و لا یتأخر الرجل و لکن یقعد الذي یدخل معه خلف الإمام فإذا سلم الإمام قام الرجل فأتم صلاته).
    - ادراک امام بعد از یک سجدة:فیه وجهان
      - نمازش را بدون استیناف نیت ادامه دهد
      - استیناف نیت کند(و هو الأحوط).
  - قاعده کلی:کسی که درک رکوع امام نکرده می تواند در تمامی حالات بعدی به امام متصل شود اما چون درک رکوع نکرده درک رکعت هم نکرده پس اگر اتصال به جماعت موجب ازدیاد رکن شود باید استیناف نیت کند و اگر رکنی زیاد نشود نمازش را بدون استیناف نیت ادامه دهد
  - نکته1:اگر مأموم در هر دو صورت(ادارک امام بعد از رکوع و ادراک امام بعد از سجود)اقتداء بدون متابعت کند(استمرار قیام کند و با امام به سجده و تشهد نرود)نمازش صحیح است و نیاز به استیناف نیت ندارد
    -) :و یدل علیه موثق عمار عن أبي عبد الله علیه السلام عن رجل أدرك الإمام و هو جالس بعد الرکعتین قال علیه السلام: یفتتح الصلاة و لا یقعد مع الإمام حتی یقوم).
  - نکته2:قطع نماز بدون متابعت اختیارا جائز نیست
    - به طور خلاصه می توان گفت کسی که به رکوع نرسیده یا متابعت و قطع به استیناف کند یا یا استمرار به قیام بدون استیناف کند اما جائز نیست قطع بدون متابعت کند
- پنجم:حکم متابعت مأموم از امام
  - تبعیت مأموم از امام واجب است
    - در افعال واجب است
      - اجماعا
        - و ربما یستدلّ له بالنبوي: «إنّما جعل الإمام إماماً لیؤتمّ به، فاذا کبّر فکبّروا، و إذا رکع فارکعوا، و إذا سجد فاسجدوا» «1» بعد انجبار ضعفه بعمل المشهور. لکن الانجبار ممنوع کبری کما مرّ مراراً، و کذا صغری، إذ لم یعلم استنادهم إلیه کما لا یخفی.فالأولی الاستدلال له بأنّ ،ذلك هو مقتضی مفهوم الائتمام، و لازم جعل الإمامة للإمام من غیر حاجة إلی ورود نصّ في المقام، فإنّ المأمومیة و الاقتداء تتقوّم عرفاً بالتبعیة لمن یأتمّ به في کلّ ما یفعل. فالتقدّم علیه في الأفعال منافٍ لصدق هذا العنوان بالضرورة. فالنبوي المزبور و إن کان ضعیف ،)السند لکن مضمونه مطابق للقاعدة(موسوعة).
      - مراد از تبعیت در افعال چیست؟یعنی مأموم افعالش را یا مأخر از امام انجام دهد و یا مقارن با او و در صورت مقارنت فضیلت جماعت را از دست می دهد چرا که فضیلت جماعت به متابعت است
    - در اقوال
      - شهید اول:تبعیت دراقوال واجب است
        - فقد أوجب الشهید وجوب المتابعة فیها کما في الدروس و البیان لعموم النبوي المتقدم، و فیه: إنه ظاهر في خصوص الأفعال مع أنه لو وجب علی المأموم المتابعة فیها لوجب علی الإمام الجهر بها لیتمکن المأموم من متابعته، مع أنه غیر واجب علی الإمام الجهر إلا في بعض ،الموارد
      -)شهید ثانی:تبعیت واجب نیست مگر در تکبیرة الإحرام اگر مأموم در تکبیرة الإحرام از امام پیشی بگیرد یا مقارن او تکبیر بگوید نماز جماعت او منعقد نمی شود
        - استدلال شهید ثانی در رد نظر شهید اول:اگر تبعیت در اقوال واجب بود آنگاه گوش کردن به امام یا شنواندن امام واجب بود گوش دادن یا شنواندن امام واجب نیست پس متابعت واجب نیست
        - لخبر قرب الإسناد عن الإمام الکاظم علیه السلام: (في :الرجل یصلي أله أن یکبر قبل الإمام؟ قال علیه السلام لا یکبر إلا مع الإمام فإن کبر قبله أعاد).
  - حکم تقدم امام بر مأموم در افعال یا اقوال
    - عمدا
      - گناه کرده و باید بر همان حال بماند تا امام برسد(اگر بر گردد و با امام دوباره عمل را انجام دهد زیادی رکن غیرجائز مرتکب شده و نمازش باطل است).
        - وجوب المتابعة تعبّدي و لیس شرطاً في الصحّة کما نسب إلی المشهور فلا یترتّب علی الإخلال بها من التقدّم أو التأخّر الفاحش إلّا الإثم.و قیل بکونها شرطاً .في صحّة الصلاة، فلو أخلّ بالمتابعة بطلت صلاته نسب ذلك إلی الشیخ و الصدوق بل ابن إدریس أیضاً.و ،قیل بکونها شرطاً في صحّة الجماعة فقط دون الصلاة)فمع الإخلال تبطل الجماعة و تنقلب فرادی، من غیر إثم موسوعة).
          - اشکال:اگر متابعت واجب است پس ترک متابعت منهی است و نهی در عبادات موجب فساد است
          - پاسخ:نهی به نماز یا جزئی از آن تعلق نگرفته بلکه به صفتی خارج از نماز تعلق گرفته بنابراین نماز باطل نیست
    - ناسیا(سهوا).
      - تدارک کند آن عمل را(بر گردد و با امام دوباره آنرا انجام دهد).
        - علی المشهور للأخبار منها: صحیح ابن یقطین عن أبي الحسن علیه السلام: (عن الرجل یرکع مع الإمام یقتدي به ثم یرفع رأسه قال علیه السلام: یعید رکوعه) نعم ورد وجوب البقاء و عدم المتابعة في موثق غیاث بن إبراهیم: (سئل أبو عبد الله علیه السلام عن الرجل یرفع رأسه من الرکوع قبل الإمام، أ یعود فیرکع إذا أبطأ الإمام و یرفع رأسه معه؟ قال علیه السلام: لا) و قد جمع المشهور بینهما بحمل الأولی علی صورة السهو، و حمل الثانیة علی صورة العمد.
          - و مستندهم في ذلك الجمیع بین روایة غیاث الآتیة الدالة علی عدم الرجوع بحملها علی العامد و بین الروایات الکثیرة الدالة علی الرجوع بحملها علی الساهي تبعا للشیخ (قدس سره) في ما ذکره من ذلك. و رد بعدم اشعار شيء من روایات المسألة بهذا التفصیل و إمکان حمل ما دل علی الرجوع علی الاستحباب.و ظاهر کلام الأصحاب في وجه هذا الحمل هو أنه مع الرجوع حال رفع رأسه عامدا یلزم زیادة الرکن عمدا و اما مع السهو فاللازم زیادته سهوا و هو مغتفر.و فیه انهم قد صرحوا بأن زیادة الرکن مبطلة عمدا و سهوا فلا وجه لهذا التفصیل(حدائق ج11 ص 141).
            - اقول: الحق ما ذهب الیه المشهور، و ذلك لاختصاص الطائفة الاولی بنفسها بالسهو؛ لأن الغالب عدم رفع :المأموم رأسه قبل الإمام عمداً مع عدم جوازه.و بعبارة اخری من یصلي الجماعة لدرك الفضل لا یفعل الحرام في .أثنائها(فقه الصادق).
        - اگر ناسی تدارک نکند؟فیه قولان
          - بطلان نماز
          - عدم بطلان نماز

Central Topic